



هم کلاسی
Hamkelasi.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عربی هشتم دوره اول متوسطه

نام دبیر: سید علی حسینی



درس ۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عربی

پایه هشتم
دوره اول متوسطه



إِنِّي رَأَيْتُ دَهْرًا مِّنْ هَاجِرِكَ الْقِيَامَةِ
لَيْسَتْ دُمُوعُ عَيْنِي هَذِي لَنَا الْعَلَامَةُ؟

از خون دل نوشتم نزدیک دوست نامه
دارم من از فراقش در دیده صدعلامت

الدَّرْسُ الثَّالِثُ



أَنَا طَبَاخَةٌ. أَطْبِخُ طَعَامًا لَدِيدًا.

من آشپز هستم. غذای خوشمزه ای می پزم

الدَّرْسُ الثَّالِثُ

الْمُعْجَم (٣٦ كلمة جديد)

أَخَر : دیگر أَحَبَّ : دوست داشت أَحِبَّ : دوست دارم تُحِبَّ : دوست داری أَصْحَابُ الْمِهْنِ : صاحبانِ شغل‌ها أَمْنٌ : امنیت بَيْعٌ : فروش بِلَادٌ : کشور، شهرها «مفرد: بَلَد» تَقَدَّمَ : پیشرفت خَدَّادٌ : آهنگر خَلْوَانِيَّ : شیرینی فروش خَامِسٌ، خَامِيسَةٌ : پنجم خَبَّازٌ : نانوا خُبْزٌ : نان	رُزٌّ : برنج رَسَائِلُ : نامه‌ها «مفرد: رِسَالَةٌ» رِیَاضَةٌ : ورزش سَّ، سَوَفَ : نشانه آینده سَاصِرٌ : خواهم شد شَرَحَ : شرح داد شُرْطِيٌّ : پلیس صَارَ : شد سَوَفَ أَصِيرُ : خواهم شد طِبُّ الْعُیُونِ : چشم پزشکی طَبَّاحٌ : آشپز طَعَامٌ : خوراک «جمع: أَطْعِمَةٌ» طَبَخَ : پخت عَنْ : درباره، از	عَیْنٌ : چشم، چشمه «جمع: عُیُون» غَايَةٌ : پایان، نهایت فَحَصٌ : معاینه کرد قَاطِعٌ : بُرنده كُرَّةُ الْقَدَمِ : فوتبال «كُرَّة: توپ + قَدَم: پا» مَرَضَى : بیماران «مفرد: مَرِیض» مُسْتَقْبَلٌ : آینده مُسَمَّرٌ : پرستار مَوْطَفٌ : کارمند نَوَافِدٌ : پنجره‌ها «مفرد: نَافِذَةٌ» مِهْنَةٌ : شغل «جمع: مِهَن» مُهَنْدِسٌ زِرَاعِيٌّ : مهندس کشاورزی
---	--	---

مِهْنَتُكَ فِي الْمُسْتَقْبَلِ شغل تو در آینده

دَخَلَ الْمُدْرَسُ فِي الصَّبِّ وَقَالَ: «دَرَسَ الْيَوْمَ حَوْلَ مِهْنَةِ الْمُسْتَقْبَلِ. فَسَأَلَ أَيَّ مِهْنَةٍ تُحِبُّ؟»
صَادَقَ: أَنَا أُحِبُّ الزَّرَاعَةَ. لِأَنَّهَا عَمَلٌ مُهِمٌّ لِيَتَقَدَّمَ الْبِلَادِ. سَوَفَ أَصِيرُ مُهَنْدِسًا زِرَاعِيًّا.



۱- معلم داخل کلاس شد وگفت:

۲- درس امروز پیرامون شغل آینده است.

۳- پس پرسید کدام شغل رادوست داری؟

۴- صادق: من کشاورزی رادوست دارم.

۵- برای اینکه همانا آن کارمهمی برای پیشرفت کشورها است.

۶- مهندس کشاورزی خواهم شد.

۷- ناصر: من کتاب **فروشی** را دوست دارم.

۸- برای اینکه همانا کتابها گنج ها هستند.

۹- پیامبر اکرم(ص) درباره آن فرموده اند: « کتابها باغهای دانشمندان هستند.»

۷ ناصر: أَنَا أَحِبُّ بَيْعَ الْكُتُبِ، لِأَنَّ الْكُتُبَ كُنُوزٌ وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنْهَا: «الْكِتَابُ

بَسَاتِينُ الْعُلَمَاءِ»



۱۰ قاسم: سَأَصِيرُ مُخْتَرِعًا وَ سَوْفَ أَصْنَعُ جَوَازًا جَدِيدًا.



۱۱ منصور: أَنَا أَحِبُّ الرِّيَاضَةَ. أَنَا لَأَعِيبُ مُمْتَازًا فِي كُرَةِ الْقَدَمِ.



۱۲ امين: أَنَا أَحِبُّ طِبَّ الْعَيُونِ. سَوْفَ أَصِيرُ طَبِيبًا لِيُخْدِمَةَ النَّاسِ.



منصور: من **ورزش** را دوست دارم. من بازیکن ممتازی در **فوتبال** هستم.

امین: من **چشم پزشکی** را دوست دارم. برای خدمت به مردم دکتر خواهم شد



۱۳- دانش آموزان **صاحبان شغل‌هایی** مانند معلم و **نانوا** و **پلیس** و **شیرینی فروش** و **فروشنده** و **پرستار** و **آهنگر** و غیره را یادکردند.

۱۴- معلم: هدف‌تان از انتخاب شغل چیست؟

۱۵- عارف: خدمت به مردم. زیرا هر یک از ما به **دیگری** نیاز داریم.

۱۷- حامد: هر شغلی مهم هستند. و **کشورها** به همه **شغلها** نیاز دارند.

۱۸- معلم: **باید** به همه شغلها **احترام** بگذاریم.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:
بهترین مردم سودمندترین آنها
برای مردم است.

عامل: **کارگر**



۱۳ الطَّلَابُ ذَكَرُوا أَصْحَابَ الْمِهْنِ كَالْمُدْرِسِ وَ الْخَبَّازِ وَ الشُّرْطِيِّ وَ الْحَوَانِي وَ الْبَائِعِ وَ الْمُقْرِضِ وَ الْحَدَّادِ وَ غَيْرِهِمْ.

۱۴ الْمُدْرِسُ: مَا هُوَ هَدَفُكُمْ مِنَ اخْتِابِ الشُّغْلِ؟

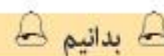
۱۵ عارف: خِدْمَةُ النَّاسِ. لِأَنَّ كُلَّ وَاحِدٍ مِنَّا بِحَاجَةٍ إِلَى الْآخَرِينَ.

۱۶ الْمُدْرِسُ: أَيُّ شُغْلٍ مُهِمٌّ؟ ۱۶- معلم: کدام شغل مهم است؟

۱۷ حامد: كُلُّ مِهْنَةٍ مُهِمَّةٌ وَ الْبِلَادُ بِحَاجَةٍ إِلَى كُلِّ الْمِهْنِ.

۱۸ الْمُدْرِسُ: عَلَيْنَا بِاحْتِرَامِ كُلِّ الْمِهْنِ.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ».



دانستیم که فعل مضارع نشانگر زمان حال و آینده است؛ اکنون بدانیم که با افزودن «س» یا «سَوْفَ» بر سر آن فقط بر آینده دلالت می‌کند و در ترجمه آن از فعل «خواهد...» استفاده می‌شود؛ مثال:



اَكْتُبُ: می نویسم • سَاكْتُبُ، سَوْفَ اَكْتُبُ: خواهم نوشت.

کَلِمَةً بِأَتَوَجَّهُ بِهِ الْكَلِمَیَّ خَوَانِدَه شَدَه تَرْجَمَه كَنِید.

أَنَا سَأَعْمَلُ مِنْ كَارِ خَوَاهِمُ كَرْد أَنْتِ سَوْفَ تَفْحَصِينَ الْمَرِیْضَةَ: تومریض رامعاینه خواهی کرد

أَنْتِ سَوْفَ تَفْرَحُ: تو خوشحال خواهی شد.

الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ (افْعَلْ)، (تَفْعَلْنَ)، (تَفْعَلِينَ)



أَنَا خَبَّارٌ أَطْبُخُ الْخُبْزَ مِنَ السَّاعَةِ الْخَامِسَةِ صَبَاحًا. أَنَا مُدْرِسَةُ الْكِيمِيَاءِ. أَشْرَحُ الدَّرْسَ لِلطَّالِبَاتِ.

من نانوا هستم از ساعت ۵ صبح نان می پزم من معلم شیمی هستم. درس را برای دانش آموزها شرح می دهم.



أَنْتِ طَبِيبَةٌ. تَفْحَصِينَ الْمَرِیْضَ بِدِقَّةٍ. أَنْتِ شُرْطِيَّةٌ. تَحْفَظُ الْأَمْنَ فِي الْبِلَادِ.

تو دکتر هستی. بیماران را به دقت معاینه می کنی.

تو پلیس هستی. امنیت را در شهرها حفظ می کنی.

التَّمارين

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ

● با توجه به متن درس به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید.

۱. ماذا قَالَ النَّبِيُّ ﷺ حَوْلَ الْكُتُبِ؟ «**الْكُتُبُ بَسَاتِينُ الْعُلَمَاءِ.**»

۱- پیامبر پیرامون کتاب چه فرمودند؟

۲. ما هُوَ الْهَدَفُ مِنَ اتِّخَاذِ الشُّغْلِ؟ **خِدْمَةُ النَّاسِ.** ۲- هدف از انتخاب شغل چیست؟

۳. حَوْلَ أَيِّ مَوْضُوعٍ كَانَ دَرْسُ الْيَوْمِ؟ **مِهْنَةِ الْمُسْتَقْبَلِ.**

۳- درس امروز پیرامون کدام موضوع بود؟

۴. ماذا سَتَصِيرُ فِي الْمُسْتَقْبَلِ؟ **الْمُدْرِسُ.** ۴- در آینده چه کاره خواهی شد؟

۵. أَيُّ شُغْلٍ مُهِمٌّ بِرَأْيِكَ؟ **كُلُّ مِهْنَةٍ مُهِمَّةٍ.**

۵- به نظرتو کدام شغل مهم است؟

التَّمْرِينُ الثَّانِي

● جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



أَنَا تَجَارٌ. سَأَصْنَعُ كُرْسِيًّا خَشَبِيًّا.

من نجار هستم. صندلی چوبی خواهم ساخت



أَنَا طَبَاخَةٌ. أَطْبِخُ طَعَامًا لَذِيذًا.

من آشپز هستم. غذای خوشمزه ای می پزم



أَنْتِ فَلَاحَةٌ مُجِدَّةٌ، تَحْصُدِينَ الرُّزَّ.



أَنْتِ طَبِيبٌ مُجِدٌّ، تَفَحِّصُ الْمَرَضَى.

توکشاوَرز کوشایی هستی برنج رادرومی کنی.

تو دکتر کوشایی هستی مریضها را معاینه می کنی

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ

● جمله‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل مضارع خط بکشید.

۱. أَنْتِ حَدَّادَةٌ، تَصْنَعُ الْأَبْوَابَ وَ النُّوَافِذَ.

۱- تو آهنگر هستی درها و پنجره ها رامی سازی.

۲. أَنْتِ مَوْظَفَةٌ، تَكْتُبِينَ رَسَائِلَ إِدَارِيَّةَ.

۲- تو کارمند هستی نامه های اداری رامی نویسی.

۳. أَنَا جُنْدِيٌّ، أَرْفَعُ عَلَمَ وَطَنِي إِيرانَ.

۳- من سرباز هستم پرچم وطنم ایران را بالامی برم.

۴. أَنَا مُمَرِّضَةٌ، أَخْدِمُ النَّاسَ.

۴- من پرستار هستم به مردم خدمت می کنم.

التَّحْقِيقُ الرَّابِعُ

زير هر تصوير نام آن را به عربی بنویسید.

حَدَّاد / نَجَّار / مُمَرِّضَةٌ / كَاتِبٌ / حَلَّوَانِي / خَبَّازٌ / شُرْطِيٌّ / خَيَّاطَةٌ / طَبِيبَةٌ / طَبَّاخَةٌ /
فَلَّاحَةٌ / مُدَرِّسَةٌ



مُمَرِّضَةٌ



فَلَّاحَةٌ



حَدَّاد



شُرْطِيٌّ



خَبَّازٌ



مُدَرِّسَةٌ



كَاتِبٌ



طَبِيبَةٌ



خَيَّاطَةٌ



طَبَّاخَةٌ



نَجَّارٌ



حَلْوَائِيّ

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

● (گفت و گو با زبان قرآن) در گروه‌های دو نفره مکالمه کنید. «پاسخ کوتاه کافی است».

فِي الصَّفِّ الثَّامِنِ

أَنَا اِيرَانِيّ

نعم

ثَلَاثَةُ كِتَابًا

فِي الْجَنُوبِ

۱. فِي أَيِّ صَفٍّ أَنْتَ (أَنْتِ)؟

۲. مِنْ أَيْنَ أَنْتَ (أَنْتِ)؟

۳. أَتَعْرِفُ (تَعْرِفِينَ) اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ؟

۴. كَمْ كِتَابًا فِي حَقِيقَتِكَ (حَقِيقَتِكَ)؟

۵. أَيْنَ الْخَلِيجُ الْفَارِسِيّ؟

التَّحْرِيْرُ السَّادِسُ

● با استفاده از کلمات زیر جدول را کامل کنید و رمز را به دست آورید.

حَلَوَانِي / مُمَرَّضَات / رِيَاضَة / آخِر / عَالَمِيْنَ / مِهْنَة / بَيْع / دَوْرَان / حَدَاد / نِهَائَة / قَاطِع /
مَرَضِي / خَامِس / كُرَة الْقَدَم / مَوْظَفَة / كُنُوز / شُرْطِي / عَمُود / طِبُّ الْعُيُون / وَحْدَكَ / يَالَيْتَنِي /
بِلَاد / سَوَف

۱. دیگر	۱۳. پنجم
۲. جهانیان	۱۴. فوتبال
۳. آهنگر	۱۵. گنج‌ها
۴. پایان	۱۶. خانم کارمند
۵. خانم‌های پرستار	۱۷. پلیس
۶. ورزش	۱۸. نشانه آینده
۷. شیرینی فروش	۱۹. ستون
۸. بیماران	۲۰. چشم پزشکی
۹. بُرنده	۲۱. کشور، شهرها
۱۰. شغل	۲۲. ای کاش من
۱۱. فروش	۲۳. تو به تنهایی
۱۲. چرخیدن	

رمز: « الدَّهْرُ يَوْمَانِ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ »

			آ	ا			
ن	ی	م	ل	ا	ع	۲	
	د	ا	د	ح	۲		
ة	ی	ا	ه	ن	۴		
ت	ا	ض	ر	م	م	۵	
ة	ض	ا	ی	ر	۶		
ی	ن	ا	و	ل	ح	۷	
ی	ض	ر	م	۸			
	ع	ط	ا	ق	۹		
		ة	ن	ه	م	۱۰	
		ع	ی	ب	۱۱		
ن	ا	ر	و	د	۱۲		
		س	م	ا	خ	۱۳	
م	د	ق	ل	ا	ة	ر	ک
ز	و	ن	ک	۱۵			
ة	ف	ظ	و	ط	۱۶		
			ی	ر	ش	۱۷	
		ف	و	س	۱۸		
	د	و	م	ع	۱۹		
ن	و	ی	ع	ل	ا	ب	ط
	د	ا	ل	ب	۲۱		
ی	ن	ت	ی	ن	ا	ی	۲۲
			ک	د	ح	و	۲۳

● بخوانید و ترجمه کنید.

۱. الْإِنْسَانُ بِعَقْلِهِ.

انسان به عقلش است.

۲. الْعَقْلُ حُسَامٌ قَاطِعٌ.

عقل شمشیری برنده است.

۳. الْعَقْلُ حِفْظُ التَّجَارِبِ.

عقل حفظ تجربه هاست.

۴. تَمَرُّهُ الْعَقْلُ مُدَارَاةَ النَّاسِ.

میوه عقل مدارا کردن با مردم است.

۵. غَايَةُ الْعَقْلِ الْإِعْتِرَافُ بِالْجَهْلِ.

پایان عقل اعتراف به نادانی است

تحقیق کنید و نام چند شغل یا ورزش را به عربی با تصویر در قالب روزنامه دیواری بنویسید.

قرائت درس